انواع استدلال

- انواع استدلال فقهی
- انواع استدلال مشروع

انواع استدلال فقهی

[1]استنباطی که یک فقیه انجام میدهد سه جور می تواند باشد:

۱.استدلال غیر مشروع، قیاس

استدلال غیر مشروع که همین قیاس است.

۲. استدلال مشروع

استدلال مشروع که

۱.یا استدلال به ادله اجتهادی است

۲.یا استدلال به ادله فقاهتی.

---

[1] گردآوری و تنظیم مطالب مطرح شده در جلسه اصول ۵/ ۱۱/ ۱۳۸۸ و فقه ۱۳۹۵/۰۷/۲۵

انواع استدلال مشروع

استدلال به ادله اجتهادی در این فرضی که میخواهیم از قیاس فاصله بگیریم محل بحث ما میباشد.

الف)عدم الخصوصیه

گاهی خصوصیتی در دلیل اجتهادی می آید که اصلا نمی توانیم نام آن را الغاء خصوصیت بگذاریم.

زیرا عدم الخصوصیه است . برای مثال در «رجل شک بین الثلاث و الاربع[1] [2]»

شاید احدی شک نکند وقتی در روایت می بینید رجل شک بین الثلاث و الاربع این نباید الغاء خصوصیت بشود اصلا هیچکس ذهنش نمی رود سراغ خصوصیت تا بگوییم بیا الغاء کن ؛ این عدم الخصوصیه است نه الغاء. الغاء یک کاری است که مئونه دارد و باید کار انجام بدهیم.

ب) الغاء الخصوصیه

گاهی خصوصیت در دلیل هست و با مجوز الغاء خصوصیت می توانیم آن را الغاء کنیم.

ج) تنقیح مناط

تنقیح مناط یک چیز بالاتر از الغاء خصوصیت است و با آن متفاوت است . یعنی فقها با مجموعه اموری که در ارتکازشان بوده آن موضوع و مقصود اصلی شارع را از دل کلام و دلیل اجتهادی اصطیاد کرده اند؛ نه اینکه الغاء خصوصیت کرده باشند و بگویند این ها هیچ فرقی با هم ندارد [3].

---

[1] این تعبیر در روایات بسیاری به کار رفته است:

95 عنه عن يعقوب بن يزيد و أبوه عن ابن أبي عمير عن ابن أذينة عن بكير بن أعين عن أبي جعفر ع قال: قلت له رجل شك و لم يدر أربعا صلى أو اثنتين و هو قاعد قال يركع ركعتين و أربع سجدات و هو جالس(المحاسن ؛ ج ٢ ؛ ص٣٣١)

محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن الحسين بن سعيد عن محمد بن سنان عن ابن مسكان عن أبي بصير قال: سألت أبا عبد الله ع عن رجل شك فلم يدر سجدة سجد أم سجدتين قال يسجد حتى يستيقن أنه‌ما سجدتان.(الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج ٣ ؛ ص٣۴٩)

محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد عن علي بن الحكم عن علي بن أبي حمزة عن أبي بصير قال: سألت أبا عبد الله ع عن رجل شك في طواف الفريضة قال يعيد كلما شك قلت جعلت فداك شك في طواف نافلة قال يبني على الأقل(الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج۴ ؛ ص۴۱۷)

[2] آن ابن جنیدی هم که گفته است قیاس حجت است، باید-می‌گویند:رجوع کرده- باید تأویل کرد کلامش را.آن قیاسی که تقریبا به معنی فهم الغاء خصوصیت است. «رجل شک بین الثلاث و الاربع»خب این رجل دارده، نباید مرأه باشد! هان؟ احتمال نمیدهیم. این شک، [از]صفات نفس است. در روحانیت، در نفسیت، زن و مرد فرق نمی‌کند در این جهت. در ظنشان و شکشان و وهمشان و یقینشان؛ همه مثل همند.(درس خارج فقه آیت‌الله بهجت، کتاب الحج، تاریخ ۱۳/ ۹/ ۱۳۸۴)

[3] موارد دیگری هم با عنوان استدلالات مشروع فقهی در کلام استاد به کار رفته است که عبارتند از:

استظهار: استظهار آن است که روایتی نزد عرف عام بدواً مطلب را نمی‌رساند اما با ضمیمه قرائن خارجی ای داخلی مموّد بیان شما می‌شود. برای مثال در ابتدای صحبت خود می‌گویید آقایان به من دل بدهید ؛ این چند مقدمه را در ذهن داشته باشید؛ وقتی روایت را می‌خوانید[بخاطرمقدمات بیان شده] همه از این روایت یک مطلب واضح و آشکار را می‌فهمند چون مقدمات شما در ذهنشان هست ؛ این ظهور نیست [تا به گونه ای باشد] که همه ابتداءً فوری خودشان بفهمند ولی استظهار است ؛ استظهار یک استنباط معتبر قوی در ادله اجتهادیه می‌باشد.

عدم خصوصیت

الغاء خصوصیت است نه علت و نه حیث حکم ولی الغاء خصوصیت هست.

تنقیح مناط

تسریه علت منصوصه

ملازمات عقلیه

اصول موضوعیه

تطبیق کبریات منصوصه به عنوان قواعد